

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> doi 10.22034/marefateeqtasadi.2024.5000987 dor 20.1001.1.20422322.1403.15.2.3.7

A Meta-Regression Analysis of the Impact of Islamic Banking on Economic Growth

✉ **Mohammad Baqer Shirmehenji**  / PhD in Economics, University of Mazandaran mbshirmehenji@gmail.com

Alireza Pourfaraj / Professor, Department of Economics, University of Mazandaran a.pourfaraj@umz.ac.ir

Mohammad Javad Nourahmadi / Associate Professor, Department of Theoretical Economics, Allameh Tabataba'i University mjnourahmadi@atu.ac.ir

Vahid Taghinezhad Omran / Associate Professor, Department of Economics, University of Mazandaran omran@umz.ac.ir

Received: 2024/09/09 - **Accepted:** 2024/11/13

Abstract

The theoretical literature on the relationship between Islamic banking and the real sector of the economy suggests that Islamic banking imposes strict limitations on debt-based financing and speculative transactions unrelated to productive activities. In contrast, all Islamic partnership contracts are intrinsically tied to real economic undertakings that contribute to economic growth. Hence, due to the foundational principles and operational mechanisms of Islamic banking, a closer and more direct linkage between Islamic monetary and banking instruments—particularly Islamic contracts and sukuk—and the real economy is anticipated compared to conventional monetary instruments. Nevertheless, empirical studies in this domain have yielded mixed and sometimes contradictory findings. To synthesize and critically assess this heterogeneous body of evidence, the present study employs a meta-regression analysis (MRA) approach. After screening the relevant literature using a systematic selection protocol, 9 studies encompassing 31 regressions and 89 coefficients were identified for inclusion in the meta-analysis. The overall results, after correcting for publication bias, indicate that Islamic banking has a small but positive effect on economic growth. Moreover, the findings show that the heterogeneity of the results in the primary studies can be explained by factors such as the choice of indices used to measure Islamic banking performance, the period under study, and the inclusion (or exclusion) of control variables such as economic freedom and inflation.

Keywords: Islamic banking, economic growth, meta-regression analysis.

JEL Classification: C00, O40, G21.

تحلیل فرار گرسینون تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی

mbshirmehenji@gmail.com

a.pourfaraj@umz.ac.ir

mjnourahmadi@atu.ac.ir

omran@umz.ac.ir

✉ محمدباقر شیرمهنجی /  دانش آموخته دکتری اقتصاد دانشگاه مازندران

علیرضا پورفرج / استاد گروه اقتصاد دانشگاه مازندران

محمدجواد نوراحمدی / دانشیار گروه اقتصاد نظری دانشگاه علامه طباطبائی

وحید تقی نژاد عمران / دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳

چکیده

ادیات نظری رابطه بانکداری اسلامی با بخش حقیقی اقتصاد، نشان می‌دهد که در بانکداری اسلامی، تأمین مالی مبتنی بر بدهی و عملیات سفته‌بازی نامرتبط با تولید، به شدت محدود می‌شود؛ از سوی دیگر در همه عقود مشارکتی اسلامی، فعالیتی حقیقی وجود دارد که به رشد اقتصادی می‌انجامد. بنابراین با توجه به ادبیات نظری و ماهیت عملیات بانکی اسلامی، ارتباط مشخص‌تر و نزدیک‌تر ابزارهای پولی و بانکی اسلامی (به‌ویژه عقود و اوراق مشارکتی) نسبت به ابزارهای پولی متعارف با بخش واقعی اقتصاد، قابل انتظار است. با این وجود مطالعات تجربی این حوزه، نتایج متناقضی در مورد رابطه مورد بحث نشان می‌دهد. به‌منظور تحلیل و برآیندگیری از این نتایج ناهمگن، مطالعه حاضر از روش تحلیل فرارگرسینون استفاده می‌کند. بدین منظور پس از پالایش مطالعات بر اساس پروتکل غربال، ۹ مطالعه شامل ۳۱ رگرسینون و ۸۹ ضریب برای ورود به تحلیل انتخاب شدند. نتیجه برآیندگیری از مطالعات اولیه نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن تورش انتشار، بانکداری اسلامی تأثیر مثبت و کوچک بر رشد اقتصادی دارد. علاوه بر این، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که شاخص‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی، دوره زمانی و وجود یا عدم وجود متغیرهای آزادی اقتصادی و تورم در الگوهای رگرسینونی مطالعات اولیه، برای توضیح ناهمگنی نتایج مطالعات اولیه مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: بانکداری اسلامی، رشد اقتصادی، تحلیل فرارگرسینون.

طبقه‌بندی JEL: C00, O40, G21.

مقدمه

بانکداری اسلامی به عنوان جایگزینی برای شکل متعارف بانکداری ظهور کرده است و در چهار دهه اخیر چه در کشورهای اسلامی و چه در کشورهای غیراسلامی به سرعت رشد کرده است. به گفته اقبال و میراخور (۱۹۸۷) مفهوم بانکداری بدون ربا در اواخر دهه ۱۹۴۰ توسط قریشی (۱۹۴۶)، صدیقی (۱۹۴۸) و احمد (۱۹۵۲) مطرح شد. اولین تلاش برای تأسیس بانک اسلامی توسط النجار در سال ۱۹۶۳ در مصر انجام شد و مایت قمر نام گرفت. این بانک، به شکل یک بانک پس انداز - سرمایه گذاری مبتنی بر تقسیم سود و بدون بهره بود. در دهه ۱۹۷۰، نهضت بانکداری اسلامی با تأسیس بانک توسعه اسلامی در سال ۱۹۷۴ توسط سازمان همکاری اسلامی دوباره ظهور کرد که به عنوان آغازگر مرحله دوم ایجاد بانکداری اسلامی شناخته می شود (عبدالحق، ۱۹۸۹). از آن زمان به بعد رشد سریع بانکداری اسلامی به نحوی بوده است که در سال ۲۰۲۲، ۶۱۰ بانک اسلامی و ۱۷۸۱ مؤسسه مالی اسلامی در سرتاسر جهان گسترش یافته است و میزان دارایی بانک های اسلامی در این سال به ۳/۲ تریلیون دلار رسیده است و پیش بینی می شود این رقم به ۴/۶۱۸ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۷ افزایش یابد (گزارش توسعه مالی اسلامی، ۲۰۲۳). این نرخ رشد بالای مثبت دارایی های مالی اسلامی، سال به سال توجه سیاست گذاران، اقتصاددانان و پژوهشگران را به سمت صنعت مالی اسلامی و تأثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی، بیشتر جلب می کند. تعداد زیادی از مطالعات، نقش مثبت مالی اسلامی را در تحریک رشد اقتصادی و رفاه عمومی جامعه نشان می دهد (سلیم، ۲۰۰۸؛ انس و دیگران، ۲۰۱۷؛ طهرائویی و اوثر، ۲۰۲۴)؛ در حالی که برخی از نویسندگان معتقدند که به دلیل برخی محدودیت های تحمیلی و ارزش های اسلامی بر امور مالی و اقتصادی، بانکداری اسلامی مانع از توسعه اقتصادی شده که در نهایت منجر به پیامدهای اقتصادی زیان بار می شود (ولکر، ۲۰۰۶؛ کوران، ۲۰۰۴؛ کوبهام، ۱۹۹۲)؛ بنابراین علی رغم کارهای نظری و تجربی گسترده ای که در مورد این موضوع انجام شده، نتایج تجربی مبهم باقی مانده است و تناقض دارد. به منظور شناسایی دقیق عواملی که باعث اختلاف در نتایج شده اند، پژوهش حاضر به بررسی اثرات تجربی مشاهده شده در مطالعات پیشین می پردازد و مشخص می نماید که در هر مطالعه اثر گذاری بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی در چه شرایطی بررسی شده است؛ علاوه بر این با برآیندگیری و ترکیب نتایج کمی مطالعات، اندازه اثر متوسط رابطه بین بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی برآورد خواهد شد تا اجماعی تجربی در مورد این رابطه حاصل شود. این پژوهش، در پنج بخش ساماندهی شده است. در بخش اول، مبانی نظری مربوط به رابطه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی بیان می شود؛ بخش دوم به پیشینه مطالعات درخصوص تبیین رابطه مورد بررسی اختصاص دارد و پس از آن در بخش سوم، روش فراتحلیل، فرایند اجرا و آزمون های آماری مربوط به این روش مطرح می شود؛ در بخش چهارم، به تحلیل فرار گرسبون پرداخته می شود؛ بخش پایانی نیز به تفسیر نتایج و نتیجه گیری می پردازد.

مبانی نظری

بخش بانکی توسعه یافته یک عامل کلیدی در ایجاد رشد اقتصادی قوی است؛ زیرا با هدایت منابع مالی از مصارف غیرمولد به مولد، به کارایی اقتصادی کمک می کند. خاستگاه این نقش را می توان به کار اصلی شومپیتر (۱۹۱۱) مرتبط دانست.

شومپیتر در مطالعه خود اشاره می‌کند که سیستم بانکی به دلیل نقشی که در تخصیص پس‌انداز، تشویق نوآوری و تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های مولد دارد، عامل حیاتی برای رشد اقتصادی است (دوروسو چیفتچی و دیگران، ۲۰۱۷). عمده مطالعاتی که در این حوزه تمرکز داشته‌اند، مطالعاتی هستند که با روش‌های تجربی به بررسی رابطه مورد بحث پرداخته‌اند. این مطالعات چند کانال برای تأثیر بخش بانکداری بر رشد اقتصادی شناسایی کرده‌اند که در ادامه مطرح می‌شود.

بررسی رابطه بخش بانکی و رشد اقتصادی

بخش بانکی توسعه‌یافته یک عامل کلیدی در ایجاد رشد اقتصادی قوی است؛ زیرا با هدایت منابع مالی از مصارف غیرمولد به مولد، به کارایی اقتصادی کمک می‌کند. خاستگاه این نقش را می‌توان به کار اصلی شومپیتر (۱۹۱۱) مرتبط دانست. شومپیتر در مطالعه خود اشاره می‌کند که سیستم بانکی به دلیل نقشی که در تخصیص پس‌انداز، تشویق نوآوری و تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های مولد دارد، عامل حیاتی برای رشد اقتصادی است (دوروسو چیفتچی و دیگران، ۲۰۱۷). آثار اولیه، مانند گلداسمیت (۱۹۶۹)، مک کینون (۱۹۷۳) و شلو (۱۹۷۳) شواهد قابل‌توجهی را ارائه کردند که نشان می‌دهد توسعه سیستم بانکی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. پس از آن تحقیقات متعددی بر نقش بانک‌ها در رشد اقتصادی متمرکز شده‌اند (به‌عنوان مثال، برونر و ملترز، ۱۹۶۳؛ برنانکه، ۱۹۸۳؛ کول و دیگران، ۲۰۰۸؛ چانگ و دیگران، ۲۰۱۰؛ اوئدا، ۲۰۱۳؛ الموازینی و دیگران، ۲۰۲۰ و الحربی و دیگران، ۲۰۲۴).

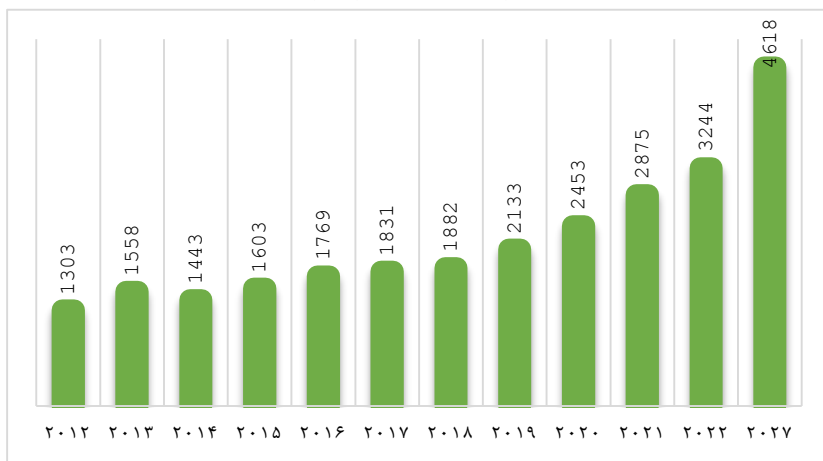
برخی از این مطالعات در بررسی نقش بانک‌ها در رشد اقتصادی، کانال‌های مصرف و سرمایه‌گذاری را مد نظر قرار داده‌اند. میشکین (۱۹۹۵) در مطالعه خود بیان کرد که برجسته‌ترین کانالی که سیستم مالی از طریق آن بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد، کانال مصرف و سرمایه‌گذاری است. آرچر و کرییم (۲۰۱۲) دریافتند که مصرف و سرمایه‌گذاری در کوتاه‌مدت منجر به رشد اقتصادی می‌شود. با این حال، برخی از محققان مانند رادولسکو و دیگران (۲۰۱۹) در مورد نقش مصرف مردد هستند.

دسته دیگری از مطالعات به مسیر تحریک پس‌انداز و تخصیص کارآمد منابع در اثرگذاری بخش بانکی بر رشد اقتصادی اشاره کرده‌اند. یک سیستم بانکی توسعه‌یافته‌تر، وجوه سرمایه‌گذاری بیشتری را جمع‌آوری کرده و آنها را در بین مشاغل توزیع می‌کند و سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را تقویت می‌کند. درواقع رشد و توسعه اقتصادی بدون افزایش کمی عامل «سرمایه» به‌عنوان یکی از عوامل تولید ممکن نیست و چون برای تمامی اشخاص به دلایل مختلف مقدور نیست که در فعالیت‌های خود بتوانند از امکانات و منابع پولی شخصی جهت تأمین نیازهای موجود استفاده کنند؛ بنابراین ناگزیر برای استفاده از تسهیلات و منابع لازم به مؤسسات مالی و اعتباری که مهم‌ترین آنها بانک‌ها هستند، مراجعه می‌کنند. بانک‌ها با عملیات اعتباری خود سبب می‌شوند تا مازاد منابعی که در اختیار اشخاص است و آنان به هر دلیلی توانایی به‌کارگیری آن را در پروژه‌های اقتصادی ندارند به افرادی که ابتکار و خلاقیت و کارآفرینی دارند و فاقد سرمایه هستند، منتقل شود که از این طریق، تولیدات کشور نیز افزایش خواهد یافت (فراهمانی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۴).

بررسی رابطه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی

هم‌زمان با توسعه صنعت بانکداری اسلامی و رشد دارایی‌های بانک‌های اسلامی مطابق شکل (۱)، ادبیات نظری تأثیر بانکداری اسلامی بر بخش واقعی اقتصاد با محوریت عقود بانکی گسترش یافته است. عمده این مطالعات بر این تأکید دارند که بانکداری اسلامی می‌تواند بر بهبود توسعه مالی و تسریع رشد تأثیر داشته باشد (چپرا، ۱۹۹۳؛ انس و دیگران، ۲۰۱۷؛ طهرائویی و اوثر، ۲۰۲۴).

شکل ۱: روند دارایی‌های بانک‌های اسلامی جهان (میلیارد دلار)



منبع: گزارش توسعه مالی اسلامی (۲۰۲۳)

کانال‌های اثرگذاری بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی، مشابه کانال‌های بین بانکداری متعارف و بخش واقعی اقتصاد است و تفاوت آنها در شدت اثرگذاری است. سازوکاری که بانک‌های اسلامی از طریق آن کار می‌کنند، تأثیرگذاری بر متغیرهای واقعی اقتصادی مانند مصرف، سرمایه‌گذاری و... است. این کار از طریق قراردادهای تأمین مالی مبتنی بر سهام مانند تأمین مالی مضاربه، تأمین مالی مشارکت و... انجام می‌شود (سالم و محمود، ۲۰۲۲). علاوه بر این، یک جایگزین شرعی برای تأمین مالی بدهی، تأمین مالی مرابحه است که به‌طور گسترده توسط بانک‌های اسلامی، به‌منظور تأمین نیازهای مشتریان خود استفاده می‌شود.

بانک‌های اسلامی با ارائه مدل مشارکت در سود و زیان بین بانک و مشتریان آن، تجارت خود را در محیطی بدون بهره انجام می‌دهند. مدل مشارکت در سود و زیان، کارایی تخصیص سرمایه را بهبود می‌بخشد؛ زیرا بازگشت سرمایه به بهره‌وری و سودآوری پروژه تأمین مالی شده بستگی دارد. این نوع از تأمین مالی با حذف بی‌عدالتی ناشی از تأمین مالی مبتنی بر بهره، فعالیت‌های کارآفرینی را تشویق می‌کند؛ همچنین ریسک را به شیوه‌ای منصفانه توزیع می‌کند، به‌طوری‌که کارآفرین ریسک‌پذیر را تشویق می‌کند تا پروژه‌های بیشتری را با همان سطح نگرش ریسک‌پذیری که قبلاً دارد، انجام دهد (الگالی و خیار، ۲۰۱۲).

نکته دیگر بحث تأمین مالی کسب و کارهای کوچک و اشخاص با دهک‌های پایین درآمدی است. چنانچه مشاهده شده است، تولیدکنندگان کوچک و کشاورزان در مقایسه با واحدهای تولیدی بزرگ‌تر با مشکلات بسیار بیشتری در اخذ اعتبار کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت از طریق مجاری نهادی مواجه هستند. محدودیت اصلی برای دسترسی به منابع مالی، فقدان وثیقه‌های مشهود است. عبدولی (۱۹۹۱) استدلال می‌کند که بانکداری اسلامی این مانع تبعیض‌آمیز را می‌شکند و بنگاه‌های کوچک را قادر می‌سازد تا منابع مالی را بر مبنای مشارکتی به‌دست آورند که در آن وثیقه لازم نیست. او استدلال می‌کند که رویه رایج مؤسسات بانکی غربی در اعطای تسهیلات اعتباری فقط به کسانی است که می‌توانند وثیقه مشهود کافی ارائه دهند؛ بنابراین افراد ثروتمند با وثیقه‌های بیشتر، شانس بالاتری برای دریافت تسهیلات دارند. بانکداری اسلامی به دلیل ماهیت عملیات خود، بُعد جدیدی را ارائه می‌دهد. از آنجایی که بانکداری اسلامی یک سیستم مبتنی بر تأمین مالی مشارکتی است، به اندازه بانک‌های غربی / متعارف به وثیقه‌های ملموس وابسته نیست. چنین دسترسی به منابع مالی که کاملاً به ثروت وابسته نیست، در نهایت منجر به توزیع بهتر درآمد و بهبود بیشتر در رفاه می‌شود. الگاتیس (۲۰۱۱) نیز استدلال می‌کند که بر خلاف روش‌های متعارف تأمین مالی، تأمین مالی اسلامی تنها بر اعتبار مشتری متمرکز نیست؛ بلکه بر شایستگی و سودآوری پروژه‌ای که قرار است تأمین مالی شود، متمرکز است. مفهوم مشارکت سود اسلامی با تشویق توزیع برابر درآمد به تقویت توسعه اقتصادی کمک می‌کند که منجر به منافع بیشتر برای عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی پایدار می‌شود.

تأمین مالی مبتنی بر بدهی و عملیات سفته‌بازی نامرتبط به تولید، در بانکداری اسلامی به شدت محدود می‌شود. از سوی دیگر در همه عقود مشارکتی اسلامی، فعالیتی حقیقی وجود دارد که به رشد اقتصادی می‌انجامد. به‌طور کلی یک سیستم مالی اسلامی بهینه تا حد زیادی مبتنی بر حقوق صاحبان سهام است که دلالت بر یک همبستگی قوی بین بخش‌های مالی و واقعی اقتصاد دارد (قاسم، ۲۰۱۶)؛ علاوه بر این، همانند سایر سازمان‌ها در نظام اقتصادی اسلامی، ارتقای رشد اقتصادی (منافع اجتماعی) یکی از وظایف اصلی همه نهادهای مالی اسلامی است.

به‌طور خلاصه ادبیات نظری این حوزه نشان می‌دهد که با توجه به ارتباط مشخص و نزدیک ابزارهای پولی و بانکی اسلامی به‌ویژه عقود و اوراق مشارکتی با بخش واقعی اقتصاد، می‌توان اثرات عملیات بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی و متغیرهای واسطه مانند مصرف و سرمایه‌گذاری را پررنگ‌تر از اثرات مالی متعارف دانست و با وجود اشتراک در کانال‌های اثرگذاری، صنعت مالی اسلامی به دلیل ماهیت خود، از شدت اثر بالاتری برخوردار است.

پیشینه پژوهش

با رشد عملیات بانکی اسلامی در سرتاسر جهان، مطالعاتی که اثرات بانکداری اسلامی بر متغیرهای کلان اقتصادی و به‌خصوص رشد اقتصادی را بررسی می‌کنند، رشد قابل توجهی داشته است. در این بخش از پژوهش، خلاصه‌ای از مطالعات تجربی خارجی و داخلی انجام‌شده مرتبط با موضوع، ارائه می‌شود.

الف) مطالعات خارجی

انس و دیگران (۲۰۱۷) از طریق مطالعه در نمونه‌ای از ۹ کشور، طی دوره (۲۰۰۸-۲۰۱۴) با به‌کارگیری روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، به بررسی ارتباط بین بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی پرداختند. نتایج مطالعه آنها وجود یک همبستگی مثبت، اما نه قوی برای تأثیر بانک‌های اسلامی بر رشد اقتصادی را تأیید می‌کند؛ همچنین بررسی اثرات حساب‌های سرمایه‌گذاری بانک‌های اسلامی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری شده توسط بانک‌های اسلامی، سودآوری را بهبود بخشیده و رشد اقتصادی را تقویت می‌کند.

در مطالعه بندریوش و دیگران (۲۰۲۰)، رابطه بین عملکرد بانک‌های اسلامی و رشد اقتصادی در کشورهای بحرین، امارات، کویت، عمان، قطر و عربستان در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۷ بررسی شده است. آنها با استفاده از داده‌های ۲۷ بانک اسلامی و روش حداقل مربعات جزئی (PLS) به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبتی بین عملکرد بانک‌های اسلامی و رشد اقتصادی به‌ویژه برای سال‌های بلافاصله پس از بحران مالی جهانی وجود دارد. به عبارت دیگر، عملکرد بانک‌های اسلامی عمدتاً در دوره پس از بحران مالی به رشد اقتصادی کمک کرده است.

پژوهش میفرای و توهیرین (۲۰۲۰) با هدف بررسی تأثیر تأمین مالی بانکی اسلامی بر رشد اقتصادی در ۶ کشور اسلامی انجام شده است. برای مقایسه با سایر سیستم‌های بانکداری اسلامی، ایران و سودان نیز در این مطالعه گنجانده شده‌اند. این مقاله با استفاده از داده‌های تابلویی سالانه (۲۰۰۵-۲۰۱۵)، از رویکرد مدل‌های تحلیل میانجی چندگانه استفاده می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تأمین مالی بانکداری اسلامی به‌طور مستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر معناداری ندارد. با این حال، تأمین مالی بانکداری اسلامی احتمالاً می‌تواند رشد اقتصادی را به‌طور غیرمستقیم از طریق سرمایه‌گذاری و مخارج مصرفی تحت تأثیر قرار دهد.

مطالعه سالیب (۲۰۲۲) به بررسی تأثیر تأمین مالی بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی می‌پردازد. این پژوهش با به‌کارگیری روش معادلات هم‌زمان (SEM) برای نمونه ۵ کشور اسلامی در دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۹، به این یافته می‌رسد که هیچ اثر مستقیم و معناداری از تأمین مالی بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی وجود ندارد. با این وجود، نتیجه می‌گیرد که تأمین مالی بانکداری اسلامی از طریق متغیرهای واسطه‌ای مانند سرمایه‌گذاری و مصرف، تأثیر غیرمستقیم مهمی بر رشد اقتصادی دارد.

طهرانویی و اوثر (۲۰۲۴) به تجزیه و تحلیل تأثیر عملکرد مالی بانک‌های اسلامی بر رشد اقتصادی کشورهای عربستان، امارات، کویت و قطر پرداختند. برای این تحلیل آنها از روش‌های اثرات ثابت، اثرات تصادفی و حداقل مربعات معمولی (OLS) بهره بردند. نتایج برآورد آنها برای دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۲۱ نشان می‌دهد که عملکرد مالی اسلامی از طریق سودآوری تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد؛ همچنین تأثیر تورم بر رشد اقتصادی از نظر آماری معنادار و منفی است.

ب) مطالعات داخلی

صمصامی و توکلی (۱۳۹۱) در مطالعه «اثر اجرای بانکداری بدون ربا بر سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و تورم در ایران»، به بررسی اثرات اجرای قانون بانکداری بدون ربا پرداختند. این مطالعه با به‌کارگیری روش رگرسیون حداقل مربعات

سه مرحله‌ای (TSLs) برای دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۸۸، به این نتیجه می‌رسد که ابلاغ قانون بانکداری بدون ربا اثر معناداری بر متغیرهای سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و تورم در ایران ندارد؛ همچنین بررسی‌های انجام‌شده بر روی شیوه اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا نشان می‌دهد که این قانون در چارچوب قراردادهای بانکی پیاده‌شده در بیشتر موارد به صورت صوری اجرا گردیده است و این ناکارآمدی ناشی از عدم عمل به مفاد قانون است. نتایج حاصل از الگو نیز این نکته را تأیید می‌کنند. موسویان و ورمزیری (۱۳۹۱)، ارتباط بین تأمین مالی بانکداری بدون ربا و رشد اقتصادی در ایران را با داده‌های فصلی طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۰ و استفاده از مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که رشد اقتصادی و تأمین مالی بانکداری بدون ربا، رابطه علیت دو طرفه دارند، اما این رابطه سطح معناداری ضعیفی دارد که مطالعه علت آن را ضعیف بودن ساختار بازار مالی در ایران و عدم سرمایه‌گذاری و تأمین مالی مناسب پروژه‌های اقتصادی می‌داند. افزون بر این، نتایج نشان‌دهنده اثر مثبت و معنادار تأمین مالی بانکداری بدون ربا در ایران بر روی رشد اقتصادی است.

امیری و دیگران (۱۳۹۹) به بررسی رابطه بین تأمین مالی و رشد اقتصادی با تأکید بر بانک و بازار سرمایه در کشورهای اسلامی با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پرداختند. نتایج حاصله برای نمونه ۱۸ کشور اسلامی در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۶ نشان می‌دهد که بازار سرمایه و بانک تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد و بازار بیمه تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی ندارد.

باختر چوری و دیگران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر اجرای بانکداری اسلامی بر زیر بخش‌های مهم اقتصاد ایران»، به بررسی رابطه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. روابط میان متغیرها در این مطالعه با استفاده از روش معادلات هم‌زمان بر اساس داده‌های آماری ۱۳۷۱-۱۳۹۶ مورد بررسی قرار گرفته است. فرضیه‌های تحقیق با استفاده از روش حداقل مربعات دومرحله‌ای (2SLS) و در نظر گرفتن ناهمسانی واریانس و رفع آن با استفاده از حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد با افزایش و توسعه بانکداری اسلامی و اجرای صحیح آن، شاخص رشد اقتصادی بهبود یافته است؛ همچنین بهبود و توسعه بانکداری اسلامی سبب افزایش سرمایه‌گذاری در کشور می‌شود. رابطه مثبت و معناداری بین سرمایه‌انسانی و رشد اقتصادی وجود دارد. شاخص‌های بهره‌وری سرمایه و پس‌انداز رابطه مثبت و معنادار با رشد اقتصادی دارد.

مروار نتایج کمی مطالعات با سؤال مشترک (تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی چگونه است؟)، نشان از نتایج مختلف و متناقض در این مطالعات دارد. پژوهش حاضر با تعریف مجموعه جامعی از متغیرهای کنترل بر اساس مدل‌های رگرسیونی مطالعات اولیه، سعی در توضیح دلایل اختلاف نتایج مطالعات پیشین دارد. علاوه بر این، ترکیب نتایج مطالعات قبلی، اندازه اثر متوسط تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را نتیجه می‌دهد. در رابطه با موضوع مورد مطالعه، استفاده از روش فرارگرسیون سابقه ندارد یا اگر انجام شده در پایگاه‌های اطلاعاتی منتشر نشده است. مطالعاتی مانند چفای (۲۰۲۲) نیز با روش فرارگرسیون به حوزه بانکداری اسلامی ورود کرده‌اند. این مطالعات عمدتاً به مقایسه بهره‌وری

بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف پرداخته‌اند. بنابراین به لحاظ موضوعی با پژوهش حاضر که تأثیر عملکرد بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را سنجیده است، متفاوت هستند. علاوه بر این، برخلاف این دو مطالعه که از روش سنتی فرارگرسبون استفاده کرده‌اند، پژوهش حاضر از تحلیل فرارگرسبون چندسطحی بهره می‌برد. این روش می‌تواند با کنترل عوامل ناهمگنی نتایج دقیق‌تری در مورد تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی حاصل نماید.

۱. روش پژوهش

این مطالعه برای بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی، از روش فرارگرسبون استفاده می‌کند. استفاده از این روش زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که مطالعاتی با سؤال مشابه به پاسخ‌های متفاوتی رسیده باشند و اجماع نظر وجود نداشته باشد. در چنین حالتی محققان برای بررسی تناقض موجود بین نتایج مطالعات، شناسایی عواملی که باعث اختلاف در نتایج شده‌اند و تأثیر هریک از این عوامل بر رابطه مورد تحلیل، از روش مذکور استفاده می‌کنند. فرارگرسبون یک نسخه پیشرفته از فراتحلیل است که عملیات فراتحلیل را در دو سطح درون مطالعاتی و بین مطالعاتی انجام می‌دهد. فراتحلیل، یک ارزیابی کمی از رابطه بین دو متغیر هدف است (گورویچ و دیگران، ۲۰۱۸)؛ همچنین می‌توان از آن برای آزمایش فرضیه‌های نظری رقیب در مقابل یکدیگر یا شناسایی عوامل مهمی که باعث اختلاف در نتایج مطالعات اولیه شده، استفاده کرد (برگ و دیگران، ۲۰۱۶). به‌طور خلاصه در این روش، نتایج کمی مطالعات اولیه با روش‌های آماری با هم ترکیب می‌شود تا اندازه اثر متوسط رابطه مورد بررسی، به‌دست آید و در گام بعدی متغیرهای کنترل به مدل فرارگرسبون اضافه می‌شوند تا تأثیر هریک از عوامل ناهمگنی در نتایج مطالعات اولیه، بر رابطه مورد پژوهش، مشخص شود. انجام این دو گام، مستلزم طی کردن فرایندی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۱. فرایند اجرای روش فراتحلیل

اهمیت فرایند فراتحلیل در تحقیقات منجر به انتشار دستورالعمل‌هایی در سال‌های اخیر شده است که استانداردهایی در زمینه‌های مختلف پژوهشی مانند تجارت بین‌الملل (استیل و دیگران، ۲۰۲۱)، اقتصاد و امور مالی (گیر - کلینگرگ و دیگران، ۲۰۲۰؛ هورانک و دیگران، ۲۰۲۰) و بازاریابی (آیند، ۲۰۱۷؛ گروال و دیگران، ۲۰۱۸)، ارائه می‌دهند (هنسن و دیگران، ۲۰۲۲). در این مطالعه برای انجام فرایند فراتحلیل از دستورالعمل هورانک و دیگران (۲۰۲۰)، استفاده می‌شود. فرایند اجرای فراتحلیل در ۴ بخش خلاصه می‌شود. تعیین سؤالات پژوهش، استراتژی جست‌وجوی مطالعات و تعیین پروتکل غربال مطالعات، استخراج اطلاعات و تعریف متغیرهای کنترل و تجزیه و تحلیل آماری و انتخاب مدل، این ۴ مرحله را تشکیل می‌دهند.

۱-۱-۱. تعیین سؤالات پژوهش

نتایج بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی به دلیل ناهمگنی نمونه‌های مورد استفاده، مشخصات مدل رگرسونی، برآوردگرهای مورد استفاده و سایر عواملی که در این مطالعه شناسایی می‌شود، متفاوت است. با توجه به اختلاف نتایج مطالعات اولیه، سؤالات اصلی این پژوهش به این شکل تعیین می‌شوند:

الف) برآیند نتایج مطالعات تجربی حوزه بانکداری اسلامی، تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را چه میزان ارزیابی می‌کند؟

ب) عوامل مؤثر بر ناهمگنی نتایج مطالعات (متغیرهای کنترل)، چگونه برآیند نتایج را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟

۱-۲. استراتژی جست‌وجوی مطالعات و تعیین پروتکل غربال مطالعات

به‌منظور پاسخ به سؤالات پژوهش و انجام فراتحلیل، در مطالعه حاضر به‌طور نظام‌مند، تمام شواهد تجربی موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی با محوریت کلیدواژه‌های (بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی) و معادل انگلیسی آنها، مورد جست‌وجو قرار گرفت. یکی از نقدها و محدودیت‌های شناخته‌شده برای فراتحلیل، ترکیب نتایج مطالعات مختلف است که به نقد «ترکیب سیب و پرتقال» معروف است. نسخه‌های جدید فراتحلیل با اجرای نظام‌مند فرایند فراتحلیل و تعیین پروتکل غربال مطالعات، به سمت یکپارچه‌سازی مطالعات منتخب برای ورود به فراتحلیل حرکت کرده‌اند که تا حد زیادی باعث رفع محدودیت مذکور شده است. این مطالعه نیز پس از مرحله جست‌وجو از چنین پروتکلی بهره می‌گیرد. پروتکل غربال مطالعات، کمک می‌کند تا روی سؤالی که مطالعه به آن پاسخ می‌دهد، متمرکز بماند (الشاکرچی، ۲۰۲۲) و احتمال سوگیری در مسیر انجام فراتحلیل را کاهش می‌دهد (چندلر و دیگران، ۲۰۱۹). بنابراین پس از تکمیل فرایند جست‌وجو، به‌منظور انتخاب مطالعات مناسب برای فراتحلیل، نتایج جست‌وجو بر اساس ۵ معیار پروتکل ذیل، غربال شدند. برای طراحی پروتکل فراتحلیل در این مطالعه از چارچوب استاندارد (PRISMA (Preferred Reporting Items for Systematic Reviews استفاده شده است. این چارچوب در سال ۲۰۱۵ با هدف تسهیل توسعه و گزارش پروتکل‌های بررسی نظام‌مند در وب‌سایت کتابخانه دانشگاه هاروارد منتشر شد.

۱. مطالعه یک پژوهش تجربی باشد که شامل حداقل یک رگرسیون یا یک تجزیه و تحلیل همبستگی است؛
۲. مطالعات سری زمانی حذف شدند و صرفاً مطالعات بین‌کشوری و بر اساس داده‌های تابلویی مدنظر قرار گرفتند. این عمل به‌منظور اطمینان از این است که نتایج صرفاً برای یک زمینه خاص (مثلاً ملی) معتبر نباشد. انجام فراتحلیل روی مطالعات سری زمانی مطالعه دیگری را می‌طلبد؛
۳. متغیر مربوط به رشد اقتصادی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده باشد. به‌طور کلی مطالعات اولیه حوزه مدنظر، مدل‌هایی را تخمین می‌زنند که مشخصات آنها تقریباً شبیه معادله ذیل است:

$$(۱) Y = X\varphi + \gamma IB + v$$

که در آن Y معیار رشد اقتصادی است، X بردار متغیرهای کنترلی، IB شاخص ارزیابی عملکرد بانک اسلامی و v یک عبارت خطا است. برای به‌دست آوردن تخمینی از تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی که با برآیند نتایج مطالعات اولیه به‌دست می‌آید، از مدل فرارگرسیون ذیل استفاده می‌شود:

$$(۲) effect_i = \beta_1 + \beta_0 SE_i + \sum_{k=1}^k \alpha_k Z_{jk} + e_i$$

که در آن effecti نشان‌دهنده رابطه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی، SEi خطای استاندارد اثر متوسط برآورد شده، Zjk یک بردار از متغیرهای کنترل که نشان‌دهنده تفاوت در مطالعات اولیه است و α_k ضریب فرار گرسبون است، که منعکس‌کننده اثر خاص هر متغیر کنترل بر رابطه مورد بررسی است و ei بیانگر اختلال فرار گرسبون است؛ ۴. متن کامل مقاله قابل دسترسی باشد؛

۵. داده‌های مورد نظر برای استخراج و انجام فراتحلیل در هر مطالعه کامل باشد.

پس از انتخاب مطالعات مناسب برای ورود به فراتحلیل بر اساس پروتکل تعریف‌شده، مرحله استخراج اطلاعات از این مطالعات آغاز می‌شود.

۳-۱-۱. استخراج اطلاعات و تعریف متغیرهای کنترل

فرایند جست‌وجوی یک فراتحلیل باید نظام‌مند، قابل تکرار و شفاف باشد و به نمونه‌ای منجر شود که شامل تمام مطالعات مرتبط باشد (گزنباوئر و هادوی، ۲۰۲۰). به این منظور مراحل جست‌وجو و انتخاب مطالعات به‌طور شفاف در ادامه مطرح می‌شود: مرحله نخست با جست‌وجوی کلیدواژه‌های بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی در پایگاه‌های اطلاعاتی آغاز شد، که تعداد ۴۶۰۰۰ مطالعه را نتیجه داد (این تعداد بر اساس شمارشگر پایگاه‌های اطلاعاتی ثبت و جست‌وجوی مطالعات اولیه در تاریخ ۲۵ تیر سال ۱۴۰۳ متوقف شد)؛ سپس با بررسی و فیلتر عنوان این مقالات و کنار گذاشتن عنوان‌های نامرتب، تعداد ۱۹۵ مقاله حاصل شد. تا این مرحله مقالات با استفاده از ابزارهای جست‌وجوی پیشرفته پایگاه‌های اطلاعاتی فیلتر شدند. پس از آن مقالاتی که امکان دسترسی به متن آنها وجود نداشت، حذف شدند و تعداد مقالات به عدد ۱۲۴ رسید. در ادامه با بررسی چکیده مقالات با محوریت بررسی رابطه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی، تعداد ۸۷ مطالعه که در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش بودند، استخراج و کدگذاری شدند. پس از قرار دادن این مطالعات در پروتکل فراتحلیل و بررسی متن کامل مطالعات، مطالعات با اطلاعات ناکافی برای محاسبه اندازه اثر، مطالعات کیفی، مطالعات سری زمانی و مطالعاتی که متغیر وابسته‌شان با پروتکل مغایرت داشت، کنار گذاشته شدند. نهایتاً تعداد ۹ مطالعه برای استخراج داده انتخاب شدند و اطلاعات آنها در صفحه گسترده اکسل وارد شد.

در همین مرحله با بررسی مدل‌های رگرسیونی و اطلاعات آماری مطالعات منتخب، متغیرهای کنترل به شرح جدول (۱) مشخص شدند.

جدول ۱: توضیح متغیر

ردیف	متغیر	توضیحات
متغیرهای مربوط به اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی		
۱	Inv Ac	اگر عملیات بانکی اسلامی با حساب‌های سرمایه‌گذاری مشخص شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۲	TA	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با کل دارایی‌های بانکی اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۳	TD	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با کل سپرده‌های بانکی اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.

۴	ROD	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با بازده سپرده‌ها اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۵	ROB	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با بازده بانک‌ها اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۶	ROA	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با بازده دارایی‌ها اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۷	ROE	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با بازده سهام اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۸	NPM	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با خالص سود نهایی اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۹	CAR	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت کفایت سرمایه اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۰	AQ	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با کیفیت دارایی اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۱	LIQ	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت دارایی‌های نقد به کل دارایی اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۲	MAN	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت هزینه‌های عملیاتی به درآمد ناخالص اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۳	NI/ATA	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت درآمد خالص به کل دارایی اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۴	CI	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت هزینه به درآمد اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۵	LLR/GL	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت ذخیره عدم پرداخت وام به وام ناخالص اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۶	ILE	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت وام‌های غیرجاری به دارایی سهام اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۷	LAD	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت دارایی‌های نقدی به سپرده‌ها و وجوه کوتاه‌مدت اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۸	NLD	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت وام خالص به سپرده‌ها و وجوه کوتاه‌مدت اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۹	FT	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت دارایی سهام به دارایی کل اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
متغیرهای مربوط به اندازه‌گیری رشد اقتصادی		
۲۰	Gdp Annual	اگر برای رشد اقتصادی از متغیر رشد اقتصادی سالانه استفاده شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۲۱	Gdp PerCap	اگر برای رشد اقتصادی از متغیر رشد اقتصادی سرانه استفاده شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
متغیرهای کنترل بر اساس مدل رگرسیونی مطالعات اولیه		
۲۲	Log Gr	اگر متغیر وابسته لگاریتمی باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۲۳	Log IB	اگر متغیر مربوط به بانکداری اسلامی لگاریتمی باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۲۴	Openness	اگر آزادی تجاری در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به‌عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۲۵	GFCF	اگر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به‌عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۲۶	Int Rate (R)	اگر نرخ بهره واقعی در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به‌عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.

اگر نرخ ارز در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.	EXR	۲۷
اگر کیفیت دولت در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.	GQ	۲۸
اگر سرمایه انسانی در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.	Hum Cap	۲۹
اگر سرمایه در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.	Capital	۳۰
اگر نیروی کار در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.	Labor	۳۱
اگر تورم در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.	Inf	۳۲
متغیرهای مربوط به دوره زمانی مطالعات		
اگر داده‌ها مربوط به دهه ۲۰۰۰ باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.	2000	۳۳
اگر داده‌ها مربوط به دهه ۲۰۱۰ باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.	2010	۳۴
اگر داده‌ها مربوط به دهه ۲۰۲۰ باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.	2020	۳۵

منبع: اطلاعات پژوهش

متغیرهای کنترل جدول (۱) - که به منظور شناسایی و کنترل عوامل ناهمگنی در نتایج مطالعات اولیه، در مطالعه حاضر استفاده می‌شوند - بر اساس استفاده و تکرار در الگوهای رگرسیونی مطالعات اولیه، در نظر گرفته شده‌اند.

۱-۴. تجزیه و تحلیل آماری و انتخاب مدل

به منظور تجزیه و تحلیل آماری نتایج مطالعات اولیه، داده‌های کمی مستخرج از ۹ مطالعه شامل ۳۱ رگرسیون و ۸۹ ضریب تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی، کدگذاری شدند. پس از کدگذاری، اطلاعات مستخرج به منظور انتخاب مدل به نرم افزار CMA وارد شدند. انتخاب مدل در فراتحلیل از آنجا اهمیت دارد که وزن مطالعات تحت تأثیر انتخاب مدل اثرات ثابت یا مدل اثرات تصادفی قرار می‌گیرد. بنابراین اگر بر اساس تحلیل ناهمگنی یکی از این دو رویکرد انتخاب شود، وزن مطالعات به طور قابل توجهی متفاوت خواهد شد و این تغییر وزن، کلیه نتایج بعدی تحلیل را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد (بورنشتاین و دیگران، ۲۰۱۱). جدول (۲) نتایج آزمون Q کوکران را برای انتخاب مدل اثرات ثابت یا مدل اثرات تصادفی، گزارش می‌دهد.

جدول ۲: آزمون Q کوکران

P-value	درجه آزادی Q	Q-value
۰/۰۰۲	۸	۲۳/۷۷۶

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم افزار CMA

آزمون Q مبتنی بر توزیع کای دو (χ^2) و درجه آزادی $k-1$ می‌باشد که k در اینجا به تعداد مطالعات اولیه اشاره می‌کند. فرضیه H_0 در این آزمون، همگنی مطالعات و فرضیه H_1 ناهمگنی مطالعات را نشان می‌دهد. عدم رد فرض همگنی مطالعات باعث انتخاب مدل اثرات ثابت می‌شود و رد فرض همگنی منجر به انتخاب مدل اثرات تصادفی می‌گردد (هارول، ۱۹۹۷). با توجه به مقدار (P-value) گزارش شده این آزمون، فرضیه H_0 این آزمون در سطح معناداری ۵ درصد

رد می‌شود و فرضیه ناهمگنی مطالعات تأیید می‌شود. بنابراین نتایج این آزمون نشان می‌دهد که مطالعات اولیه وارد شده در فراتحلیل ناهمگن هستند و در برآورد اندازه اثر متوسط باید از مدل اثرات تصادفی استفاده نمود.

۲. نتایج برآیندگیری از مطالعات اولیه

ترکیب و برآیندگیری وزنی ضرایب رگرسیونی مطالعات اولیه، اندازه اثر متوسط را نتیجه می‌دهد. جدول (۳) نتایج مربوط به این فرایند را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج ترکیب مطالعات

تعداد مطالعات	تعداد رگرسیون‌ها	تعداد ضرایب بانکداری اسلامی	اندازه اثر متوسط	فاصله اطمینان ۹۵٪	Z-value	P-value
۹	۳۱	۸۹	۰/۰۹۸۴	۰/۰۱۵۴ - ۰/۱۸۰۰	۲/۳۲۲۲	۰/۰۲۰۲

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA: *** $p < 0/01$ ** $p < 0/05$ * $p < 0/1$

اندازه اثر متوسط، شدت و نوع اثرگذاری متغیرهای هدف را مشخص می‌کند. علامت مثبت اندازه اثر متوسط گزارش شده در جدول (۳)، تأثیر مثبت (مستقیم) عملکرد بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را نشان می‌دهد، که بر اساس آماره‌های Z و P ، این رابطه معنادار است. علاوه بر این، مقدار اندازه اثر متوسط (۰/۰۹۸۴) با توجه به معیار تفسیر کوهن، شدت اثرگذاری کوچک را نشان می‌دهد. بنابراین پاسخ به سؤال اول پژوهش (برآیند نتایج مطالعات تجربی حوزه بانکداری اسلامی، تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را چه میزان ارزیابی می‌کند؟) نشان می‌دهد که تأثیر عملکرد بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی مثبت و کوچک است.

۲-۱. بررسی اعتبار نتایج و تورش انتشار

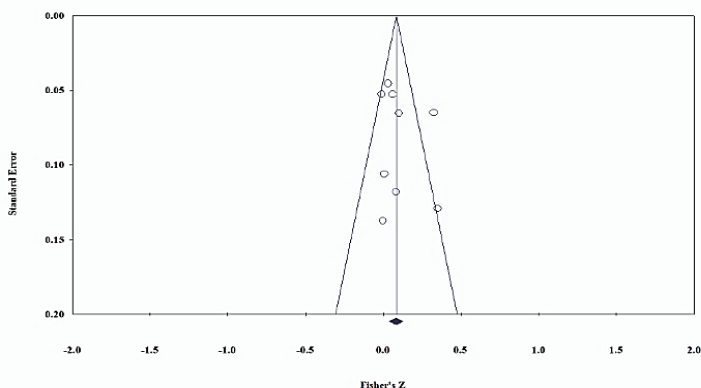
تورش انتشار از این واقعیت ناشی می‌شود که یافته‌های مهم و معنادار به نسبت یافته‌های نامعنادار به احتمال زیاد منتشر می‌شوند؛ زیرا محققان نتایج نامعنادار را ارسال نمی‌کنند و داوران نیز تمایل دارند مطالعات با این نوع نتایج را رد کنند (هنسن و دیگران، ۲۰۲۲). این موضوع به عنوان سوگیری انتشار شناخته می‌شود. به عبارت بهتر، تورش انتشار زمانی اتفاق می‌افتد که نتیجه یک آزمایش یا مطالعه بر تصمیم‌گیری درباره انتشار و چاپ آن تأثیر بگذارد (سونگ و دیگران، ۲۰۱۰). تأثیر این سوگیری این است که مطالعات فراتحلیلی اگر مطالعات منتشر نشده را شامل نشده باشند، اثرات را بیش از حد برآورد می‌کنند.

سوگیری انتشار را می‌توان با روش‌های گرافیکی و آماری بررسی کرد. نمودار کیفی یک ابزار گرافیکی ساده است که می‌تواند یک نمای کلی از توزیع اندازه اثر ارائه دهد و به تشخیص سوگیری انتشار کمک کند (استلی و دوکولیاگوس، ۲۰۱۰). نمودار کیفی همچنین می‌تواند در شناسایی نقاط پرت بالقوه کمک کند (ویختباوئر و چونگ، ۲۰۱۰). علاوه بر روش گرافیکی، چندین روش آماری مانند آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مازومدر (۱۹۹۴)، آزمون رگرسیون *ایگر* و... را می‌توان برای آزمایش سوگیری انتشار استفاده کرد.

۱-۲. بررسی گرافیکی تورش انتشار

در نمودار (۲) دایره‌ها، نشان‌دهنده اندازه اثرهای حاصل فراتحلیل درون مطالعه‌ای است. خط وسط قیف، بر اساس نتایج ترکیب مطالعات و اندازه اثر متوسط مشخص شده است.

نمودار ۲: نمودار قیفی



منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم افزار CMA

بررسی نمودار (۲) بیانگر این موضوع است که پراکندگی اندازه اثرها، نسبتاً متقارن می‌باشد. این تقارن نسبی به این معناست که فراتحلیل دچار تورش ناشی از انتشار نشده است، اما برای بررسی کمی و دقیق تقارن و تورش انتشار، نمودار قیفی کافی نیست و باید آزمون مربوط به بررسی تقارن و تورش انتشار انجام پذیرد.

۲-۲. آزمون‌های آماری بررسی تورش انتشار

نتایج آزمون ایگر و آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مازومدر در جدول (۴) برای بررسی کمی تورش انتشار در این فراتحلیل، قابل مشاهده است.

جدول ۴: نتایج آزمون‌های تورش انتشار

آزمون ایگر	
۱/۲۱۷۸	عرض از مبدأ
۱/۶۴۱۹	خطای معیار
-۲/۶۶۴۶	حد پایین فاصله اطمینان
۵/۱۰۰۳	حد بالا فاصله اطمینان
۰/۷۴۱۷	t-value
۷	درجه آزادی
۰/۴۸۲۴	p-value
آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مازومدر	
۹	آماره S کندال
۰/۲۵۰۰	ضریب همبستگی کندال بدون پیوستگی
۰/۲۲۲۲	ضریب همبستگی کندال با پیوستگی
۰/۳۴۸۰	P-value مربوط به T کندال بدون پیوستگی
۰/۴۰۴۲	P-value مربوط به T کندال با پیوستگی

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم افزار CMA

در هر دو آزمون، به‌طور مشابه، فرضیه H_0 این است که پراکندگی اندازه اثرهای مطالعات اولیه متقارن است و فرضیه H_1 عدم تقارن پراکندگی اندازه اثرهای مطالعات اولیه را بیان می‌کند. با توجه به آماره P در هر دو آزمون I_{GR} و I_{GR} و بازومدر، فرضیه H_0 (تقارن داده‌ها و عدم تورش انتشار) در این آزمون‌ها تأیید می‌شود (رد نمی‌شود). بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که فراتحلیل مطالعه حاضر، دچار سوگیری ناشی از انتشار نشده و نتایج آن از اعتبار بالایی برخوردار است.

۳. تحلیل فرارگریسیون تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی

تجزیه و تحلیل فرارگریسیون با آزمایش چندین متغیر کنترل، به‌طور هم‌زمان به بررسی ناهمگنی بین اندازه اثرهای مشاهده‌شده می‌پردازد. این نوع از تحلیل، بر معایب رویکرد سستی فراتحلیل – که تنها اثرات دو متغیر بر هم را می‌آزمود – غلبه می‌کند (کامبز و دیگران، ۲۰۱۹). به عبارت بهتر، تحلیل فرارگریسیون نشان می‌دهد که چگونه ویژگی‌های منحصر به فرد یک مدل تجربی، اندازه اثر متوسط برآوردشده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در جدول (۵)، نتایج این تحلیل گزارش و پس از آن تفسیر می‌شود.

جدول ۵: نتایج ترکیب مطالعات با در نظر گرفتن متغیرهای کنترل

متغیرهای کنترل	اندازه اثر	کوان پایین	کوان بالا	p-value
متغیرهای مربوط به اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی				
Investment Accounts	+۰/۳۲۹۶	+۰/۱۶۴۸	+۰/۴۷۶۶	+۰/۰۰۰۱
TA	+۰/۱۵۲۵	+۰/۰۰۵۳	+۰/۳۰۲۸	+۰/۰۴۸۱
TD	+۰/۱۵۵۱	+۰/۰۲۹۴	+۰/۵۲۹۴	+۰/۰۱۹۰
ROD	+۰/۱۰۰۰	+۰/۰۱۰۸	+۰/۱۸۷۶	+۰/۰۲۸۱
ROB	+۰/۱۷۳۶	+۰/۰۲۸۳	+۰/۳۱۱۶	+۰/۰۱۹۴
ROA	-۰/۰۳۷۲	+۰/۱۳۴۷	+۰/۰۶۱۰	+۰/۰۳۷۵
ROE	+۰/۱۱۵۴	+۰/۰۱۰۶	+۰/۳۲۱۹	+۰/۰۴۷۰
NPM	+۰/۰۴۱۹	-۰/۰۸۱۸	+۰/۱۶۴۳	+۰/۵۰۷۳
CAR	+۰/۰۵۶۸	+۰/۰۶۷۵	+۰/۱۷۹۴	+۰/۰۳۰۲
AQ	-۰/۰۰۷۴	+۰/۲۱۱۹	+۰/۱۹۷۷	+۰/۰۴۴۵
LIQ	-۰/۰۲۴۲	-۰/۰۲۲۷۹	+۰/۱۸۱۵	+۰/۸۱۹۱
MAN	+۰/۰۳۶۹	-۰/۰۱۶۹۲	+۰/۲۳۹۹	+۰/۷۲۷۹
NI/ATA	+۰/۰۵۰۵	+۰/۰۲۷۷	+۰/۱۲۸۱	+۰/۰۰۵۲
CI	+۰/۰۱۰۵	-۰/۰۳۵۶	+۰/۰۵۶۵	+۰/۶۵۶۵
LLR/GL	-۰/۰۴۱۹	+۰/۱۴۴۳	+۰/۰۶۱۵	+۰/۰۲۷۵
ILE	-۰/۱۹۱۹	+۰/۴۵۸۷	+۰/۱۰۶۷	+۰/۰۰۶۵
LAD	-۰/۰۰۳۶	-۰/۰۴۹۷	+۰/۰۴۲۵	+۰/۸۷۸۴
NLD	+۰/۰۰۹۸	+۰/۰۳۶۳	+۰/۰۵۵۹	+۰/۰۴۷۱
FT	+۰/۰۰۲۴	-۰/۰۴۳۷	+۰/۰۴۸۵	+۰/۹۱۸۶
متغیرهای مربوط به اندازه‌گیری رشد اقتصادی				
Gdp Annual	+۰/۰۰۷۵	+۰/۰۲۹۱	+۰/۰۴۴۱	+۰/۰۳۶۹
Gdp Per Capita	+۰/۲۹۰۴	+۰/۱۶۳۹	+۰/۴۰۷۵	+۰/۰۰۰۰

متغیرهای کنترل بر اساس مدل رگرسیونی مطالعات اولیه				
Log Growth	۰/۱۷۶۴	۰/۰۷۴۹	۰/۲۷۴۳	۰/۰۰۰۷
Log Ib	۰/۲۷۷۱	۰/۱۴۲۲	۰/۴۰۱۸	۰/۰۰۰۱
Openness	۰/۰۵۱۴	-۰/۰۸۲۶	۰/۱۸۳۴	۰/۴۵۲۷
GFCF	۰/۰۳۰۳	۰/۰۵۵۷	۰/۱۱۵۹	۰/۰۲۰۰
Interest Rate (real)	۰/۰۳۱۵	۰/۰۳۱۳	۰/۰۹۴۱	۰/۰۲۵۱
EXR	۰/۰۳۱۵	۰/۰۳۱۳	۰/۰۹۴۱	۰/۰۲۵۱
Government Quality	۰/۱۰۰۰	۰/۰۳۷۰	۰/۱۶۲۲	۰/۰۰۱۹
Human Capital	۰/۱۰۰۰	۰/۰۳۷۰	۰/۱۶۲۲	۰/۰۰۱۹
Capital	۰/۱۰۰۰	۰/۰۳۷۰	۰/۱۶۲۲	۰/۰۰۱۹
Labor	۰/۱۰۰۰	۰/۰۳۷۰	۰/۱۶۲۲	۰/۰۰۱۹
Inf	۰/۰۰۵۵	-۰/۰۳۳۲	۰/۰۴۴۱	۰/۷۸۲۴
متغیرهای مربوط به دوره زمانی مطالعات				
2000	۰/۱۱۳۳	۰/۰۱۶۴	۰/۰۹۲۹	۰/۰۳۸۰
2010	۰/۰۷۲۶	۰/۰۲۴۴	۰/۱۲۰۵	۰/۰۰۳۲
2020	۰/۰۰۱۴	۰/۰۷۹۰	۰/۰۷۶۱	۰/۰۲۱۳

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم افزار CMA

بر اساس جدول (۵)، استفاده از شاخص‌های متفاوت برای اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی، می‌تواند اندازه اثر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. ترکیب مطالعاتی که از متغیرهای (Investment Accounts, TA, TD, ROB, ROD, ROA, ROE, CAR, AQ, NI/ATA, LLR/GL, ILE و NLD) برای اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی استفاده کرده‌اند، تأثیر مثبت و معنادار را نشان می‌دهد، اما برای متغیرهای (NPM, LIQ, MAN, CI, LAD و FT) این تأثیر معنادار نیست. علاوه بر این، در متغیرهای معنادار، هم اندازه اثر مثبت و هم منفی نتیجه‌گیری شده است. بنابراین متغیر مورد استفاده برای اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی یکی از عوامل مهم ناهمگنی در نتایج مطالعات اولیه است.

انتخاب رشد اقتصادی سالانه یا رشد اقتصادی سرانه به عنوان متغیر وابسته الگوهای رگرسیونی مطالعات اولیه، تأثیری بر معناداری رابطه مورد بررسی ندارد و به عنوان عامل ناهمگنی شناسایی نمی‌شود.

بخش سوم متغیرهای کنترل، مربوط به متغیرهای مستقلی است که در الگوهای رگرسیونی مطالعات اولیه مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از متغیرهای آزادی تجاری و تورم در الگوی رگرسیونی مطالعات اولیه، می‌تواند به طور جدی معناداری رابطه مورد بررسی را تحت تأثیر منفی قرار دهد. لگاریتمی بودن متغیر وابسته و متغیر مربوط به بانکداری اسلامی و استفاده از متغیرهای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، نرخ بهره حقیقی، نرخ ارز، کیفیت دولت، سرمایه انسانی، سرمایه و نیروی کار به معناداری رابطه خدشه‌ای وارد نمی‌کند، ولی اندازه اثر گزارش شده در هر مطالعه را می‌تواند تغییر دهد.

متغیرهای کنترل مربوط به دوره زمانی مدنظر مطالعات اولیه (۲۰۰۰، ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰) در انتهای جدول (۵) نشان می‌دهد که دوره زمانی متفاوت، روی معناداری تأثیری ندارد، اما مقدار اندازه اثر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و یکی دیگر از دلایل ناهمگنی در مطالعات اولیه می‌باشد.

به‌طور کلی لحاظ متغیرهای کنترل در مدل و نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که متغیر مورد استفاده برای اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی و دوره زمانی مطالعات، ازجمله عوامل ناهمگنی در نتایج مطالعات پیشین هستند؛ همچنین متغیرهایی مانند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، نرخ بهره حقیقی، نرخ ارز، کیفیت دولت، سرمایه انسانی، سرمایه و نیروی کار می‌تواند اثرگذاری مطلوب بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را تقویت کند، اما حضور متغیرهایی مانند آزادی تجاری و تورم، باعث بی‌معنی شدن آماری رابطه مورد بررسی می‌شود.

نتیجه‌گیری

بررسی ادبیات نظری رابطه بانکداری با رشد اقتصادی نشان می‌دهد که کانال‌های اثرگذاری بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی، مشابه کانال‌های بین بانکداری متعارف و بخش واقعی اقتصاد است و تفاوت آنها در شدت اثرگذاری است. تأمین مالی مبتنی بر بدهی و عملیات سفته‌بازی نامرتبط با تولید، در بانکداری اسلامی به شدت محدود می‌شود. از سوی دیگر در همه عقود مشارکتی اسلامی، فعالیتی حقیقی وجود دارد که به رشد اقتصادی می‌انجامد. به‌طور کلی یک سیستم مالی اسلامی بهینه تا حد زیادی مبتنی بر حقوق صاحبان سهام است که دلالت بر یک همبستگی قوی بین بخش‌های مالی و واقعی اقتصاد دارد. بنابراین با توجه به ارتباط مشخص‌تر و نزدیک‌تر ابزارهای پولی و بانکی اسلامی (به‌ویژه عقود و اوراق مشارکتی) نسبت به ابزارهای پولی متعارف با بخش واقعی اقتصاد، می‌توان تأثیر عملکرد بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را پررنگ‌تر از اثرات مالی متعارف دانست. مطالعات تجربی این حوزه، نتایجی مختلفی برای تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی گزارش می‌دهند. مطالعه حاضر به‌منظور دستیابی به‌اندازه اثر متوسط در مورد رابطه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل عواملی که باعث اختلاف در نتایج مطالعات قبلی شده‌اند، با بهره‌مندی از روش فرارگرسیون به بررسی نتایج کمی مطالعات قبلی پرداخت. نتایج ترکیب ضرایب رگرسیونی مطالعات اولیه، فرضیه تعریف‌شده بر اساس مبانی نظری مبنی بر تأثیر مثبت و معنادار بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را تأیید نمود. افزون بر این، متغیر مورد استفاده برای اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی و دوره زمانی، به‌عنوان عوامل ناهمگنی در نتایج مطالعات قبلی، شناسایی شدند. متغیرهایی مانند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، نرخ بهره حقیقی، نرخ ارز، کیفیت دولت، سرمایه انسانی، سرمایه و نیروی کار می‌تواند اثرگذاری مطلوب بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را تقویت کند، اما حضور متغیرهایی مانند آزادی تجاری و تورم، معناداری رابطه مورد بررسی را مخدوش می‌کنند. نتایج آزمون‌های تورش انتشار به همراه گزارش نمودار قیفی، عدم وجود سوگیری ناشی از انتشار و اعتبار نتایج فرارگرسیون را تأیید کردند. برآیندگیری از نتایج مطالعات پیشین به لحاظ پیامدهای سیاستی تأیید می‌کند که بهبود عملکرد بانکداری اسلامی با کنترل و توجه به سایر عوامل اثرگذار، می‌تواند موجب افزایش رشد اقتصادی شود.

- امیری، حسین و دیگران (۱۴۰۰). تأمین مالی اسلامی و رشد اقتصادی با تأکید بر بانک و بازار سرمایه، شواهدی از کشورهای اسلامی. *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۸(۱)، ۳۲۸-۳۰۹.
- باختر چوری، حسن و دیگران (۱۴۰۱). تأثیر اجرای بانکداری اسلامی بر زیر بخش‌های مهم اقتصاد ایران. *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵(۵)، ۲۸۸-۲۶۶.
- صمصامی، حسین و توکلی، امیرحسن (۱۳۹۱). اثر اجرای بانک داری بدون ربا بر سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و تورم در ایران. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۳(۲)، ۹۶-۷۷.
- فراهانی‌فرد، سعید و دیگران (۱۳۹۴). تأثیر مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران (رهیافت گشتاور تعمیم‌یافته GMM). *مدل‌سازی اقتصادی*، ۹(۳)، ۴۱-۲۱.
- موسویان، سیدعباس و ورزمیاری، بهزاد (۱۳۹۱). بررسی تأثیر بانکداری بدون ربا بر رشد اقتصادی در ایران. *اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۴۸)، ۵۲-۲۹.
- Abdoul, A. H. (1991). Access to finance and collaterals: Islamic versus western banking. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 3(2), 55-62.
- Abdel-Haq, M. K. (1989). *Islamic development bank: An analytical study*. Yarmouk University.
- Akhtar, M. R. (1993). Modelling the economic growth of an Islamic economy. *American Journal of Islam and Society*, 10(4), 491-511.
- Al Shakarchi, J. (2022). How to write a systematic review or meta-analysis protocol. *Journal of Surgical Protocols and Research Methodologies*, 22(3), 1-8.
- AlHarbi, A., Sbeiti, W. & Ahmad, M. (2024). Money Supply, Banking and Economic Growth: A Cross Country Analysis. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 14(2), 234-242.
- Anass, M., Eddine, C. S. & Reda, O. (2017). Empirical Analysis of Islamic Banking and Economic Growth. *Economic Alternatives*, (1), 89-102.
- Archer, S. & Karim, R. A. A. (2012). The structure, regulation and supervision of Islamic banks. *Journal of Banking Regulation*, 13, 228-240.
- Bendriouch, F. Z., Satt, H., & M'hamdi, M. (2020). Do Islamic banks contribute to economic growth? Evidence from the GCC Countries. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 10(5), 352.
- Bergh, D. D., Aguinis, H., Heavey, C., Ketchen, D. J., Boyd, B. K., Su, P. ... & Joo, H. (2016). Using meta-analytic structural equation modeling to advance strategic management research: Guidelines and an empirical illustration via the strategic leadership-performance relationship. *Strategic management journal*, 37(3), 477-497.
- Bernanke, B. S. (1983). Non-monetary effects of the financial crisis in the propagation of the Great Depression. *National Bureau of Economic Research*, No w1054.
- Borenstein, M., Hedges, L. V., Higgins, J. P. & Rothstein, H. R. (2011). *Introduction to meta-analysis*. John Wiley & Sons.

- Brunner, K. & Meltzer, A. H. (1963). Predicting velocity: Implications for theory and policy. *The Journal of Finance*, 18(2), 319-354.
- Chaffai, M. E. (2022). New evidence on Islamic and conventional bank efficiency: A meta-regression analysis. *Bulletin of Economic Research*, 74(1), 221-246.
- Chandler, J., Cumpston, M., Li, T., Page, M. J. & Welch, V. J. H. W. (2019). *Cochrane handbook for systematic reviews of interventions*. Hoboken: Wiley.
- Chang, P. C., Jia, C. & Wang, Z. (2010). Bank fund reallocation and economic growth: Evidence from China. *Journal of Banking & Finance*, 34(11), 2753-2766.
- Chapra, M. U. (1993). Islam and the economic challenge. *International Institute of Islamic Thought*, (IIIT), No 17.
- Cobham, D. (1992). Finance for development and Islamic banking. *Intereconomics*, 27, 241-244.
- Cohen, J. (1988). The effect size. *Statistical power analysis for the behavioral sciences*, 2(1), 77-83.
- Cole, R. A., Moshirian, F. & Wu, Q. (2008). Bank stock returns and economic growth. *Journal of Banking & Finance*, 32(6), 995-1007.
- Combs, J. G., Crook, T. R. & Rauch, A. (2019). Meta-analytic research in management: Contemporary approaches, unresolved controversies, and rising standards. *Journal of Management Studies*, 56(1), 1-18.
- Durusu-Ciftci, D., Ispir, M. S. & Yetkiner, H. (2017). Financial development and economic growth: Some theory and more evidence. *Journal of policy modeling*, 39(2), 290-306.
- El-Galfy, A. & Khiyar, K. A. (2012). Islamic banking and economic growth: A review. *Journal of Applied Business Research (JABR)*, 28(5), 943-956.
- El-Ghattis, N. (2011). *Islamic banking's role in economic development: Future outlook*. Centre of Islamic Finance: Bahrain Institute of Banking.
- Elmawazini, K., Khiyar, K. A. & Aydılek, A. (2020). Types of banking institutions and economic growth. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 13(4), 553-578.
- Goldsmith, R. W. (1969). *Financial structure and development*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Gurevitch, J., Koricheva, J., Nakagawa, S. & Stewart, G. (2018). Meta-analysis and the science of research synthesis. *Nature*, 555(7695), 175-182.
- Gusenbauer, M. & Haddaway, N. R. (2020). Which academic search systems are suitable for systematic reviews or meta-analyses? Evaluating retrieval qualities of Google Scholar, PubMed, and 26 other resources. *Research synthesis methods*, 11(2), 181-217.
- Hansen, C., Steinmetz, H. & Block, J. (2022). How to conduct a meta-analysis in eight steps: a practical guide. *Management Review Quarterly*, 18(72), 1-19.

- Harwell, M. (1997). An empirical study of Hedge's homogeneity test. *Psychological methods*, 2(2), 219.
- Havráněk, T., Stanley, T. D., Doucouliagos, H., Bom, P., Geyer-Klingeborg, J., Iwasaki, I. ... & Van Aert, R. C. M. (2020). Reporting guidelines for meta-analysis in economics. *Journal of Economic Surveys*, 34(3), 469-475.
- ICD - LSEG (2023). Islamic Finance Development Report: Navigating Uncertainty. 30 Apr 2024, Issue no.2023.
- Iqbal, M. Z. & Mirakhor, M. A. (1987). *Islamic banking*. International Monetary Fund.
- Kassim, S. (2016). Islamic finance and economic growth: The Malaysian experience. *Global Finance Journal*, 30, 66-76.
- Khan, W. M. (1989). Towards an interest-free Islamic economic system. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 1.
- Kuran, T. (1997). Islam and underdevelopment: an old puzzle revisited. *Journal of Institutional and Theoretical Economics (JITE)/Zeitschrift für die gesamte Staatswissenschaft*, 41-71.
- Kuran, T. (2004). *Islam and Mammon: The economic predicaments of Islamism*. Princeton University Press.
- Library of Harvard (2024). Systematic Reviews and Meta Analysis: A resource for finding data sources, filters, and standards to support systematic searches of the biomedical literature. Harvard, <https://guides.library.harvard.edu/meta-analysis>
- McClelland, D. (1961). *Intention-based models of entrepreneurship education*. The Achieving Society, The Free press, New York, NY.
- McKinnon, R. I. (1973). The value-added tax and the liberalization of foreign trade in developing economies: a comment. *Journal of Economic Literature*, 11(2), 520-524.
- Mifrahi, M. N. & Tohirin, A. (2020). How Does Islamic Banking Support Economics Growth?. *Jurnal Ekonomi Dan Keuangan Islam*, 9(1), 72-91.
- Mishkin, F. S. (1995). Symposium on the monetary transmission mechanism. *Journal of Economic perspectives*, 9(4), 3-10.
- Radulescu, M., Serbanescu, L. & Sinisi, C. I. (2019). Consumption vs. Investments for stimulating economic growth and employment in the CEE Countries—a panel analysis. *Economic research-Ekonomska istraživanja*, 32(1), 2329-2352.
- Saleem, M. I. & Mahmood, F. (2022). *The Islamic Banking Finance And Economic Growth Nexus*. PIDE School of Economics, Pakistan Institute of Development Economics.
- Saleem, S. (2007). Role of Islamic banks in economic development. MPRA paper, 6449.
- Schumpeter, J. (1911). *The theory of economic development*. harvard economic studies. Harvard Economic Studies. XLVI.
- Shaw, E. S. (1973). *Financial Deepening In Economic Development*. Oxford University Press: New York.

- Song, F., Parekh, S., Hooper, L., Loke, Y. K., Ryder, J., Sutton, A. J. & Harvey, I. (2010). Dissemination and publication of research findings: an updated review of related biases. *Health technology assessment*, 14(8), 1-220.
- Stanley, T. D. & Doucouliagos, H. (2012). *Meta-regression analysis in economics and business*. Routledge.
- Tahraoui, A. & Aouar, A. (2024). The Impact Of The Financial Performance Of Islamic Banks On Economic Growth: a Panel Data Analysis. *The journal of contemporary issues in business and government*, 30(1), 345-354.
- Ueda, K. (2013). Banks as coordinators of economic growth and stability: Microfoundation for macroeconomy with externality. *Journal of Economic Theory*, 148(1), 322-352.
- Usmani, M. T. (2002). *Islamic finance in the global economy*. The Hague, The Netherlands: Kluwer Law International.
- Viechtbauer, W. & Cheung, M. W. L. (2010). Outlier and influence diagnostics for meta-analysis. *Research synthesis methods*, 1(2), 112-125.
- Volker, N. (2006). Islamic Economic system—A Threat to Development. MPRA Paper No. 6449. *EJIF—European Journal of Islamic Finance Editorial Team*, 6449, 1-5.